

درس اول:

هدف زندگی

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام





هدف کلی درس

جهان هستی به حق و با حکمت و تدبیر الهی خلق شده و خداوند هیچ مخلوقی را عبث و باطل خلق نکرده است و انسان باید با تفکر و اندیشه برترین هدف زندگی خود را بیابد.

آیا تا کنون اندیشه‌اید که ما «انسان‌ها» برای چه آفریده شده‌ایم و «هدف» از زندگی ما در این جهان چیست؟ (برای چه زیستن؟)

دست یافتن به پاسخ این سؤال، بسیار مهم و حیاتی است، زیرا این خطر وجود دارد که در صورت نداشتن هدف، زندگی خود را به اشتباه صرف کارهایی بکنیم که برای آن‌ها خلق نشده‌ایم و سرمایه‌ای را از دست دهیم که نه ارزش آن قابل مقایسه با لوازم مادی است و نه امکان به دست آوردن مجدد آن وجود دارد.

جهان هدفمند

❖ **نکته:** کلید واژه‌های «حق»، «حکیم»، «باطل» و «عَبَث» در آیات قرآن کریم بیانگر حکمت، تدبیر و هدفمندی است.

در پس خلقت تک‌تک موجودات این جهان هدفی وجود داشته است، زیرا خالق آن‌ها خدایی حکیم است که هیچ کاری را بیهوده و عبث انجام نمی‌دهد.

قرآن کریم در آیات گوناگون بر این نکته تأکید می‌کند و آفرینش جهان را «حق» می‌داند. از آن جمله می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِيبِينَ
(دخان ۳۸ و ۳۹)

و ما آسمان‌ها و زمین
و آنچه بین آن‌هاست را به بازیچه نیافریدیم
ما خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

پیام آیه

- ۱) حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدفدار بودن خلقت است. (حق)
- ۲) جهان آفرینش بی‌هدف و عبث و باطل نیست.
- ۳) هر موجودی براساس برنامه‌ی حساب شده‌ی خلق شده و به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است.

حدیث

حضرت علی (علیه‌السلام) هرگاه مردم را موعظه می‌کرد معمولاً سخن خود را با این عبارات آغاز می‌کرد:

ای مردم ... هیچ‌کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لَهو کند و او را به خود وانگذاشته‌اند تا به کارهای لغو و بی‌ارزش بپردازد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰)

انسان نیز مانند موجودات دیگر (وَمَا بَيْنَهُمَا) از این قاعده‌ی کلی (هدفمندی) جدا نیست و قطعاً هدفی از آفرینش او وجود داشته است.

البته در چگونگی رسیدن به هدف، میان انسان‌ها و موجودات همچون حیوانات و گیاهان، تفاوت‌هایی وجود دارد.

تفاوت‌های اساسی بین انسان و سایر موجودات

۱) اولین تفاوت آن است که انسان باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند و به سوی آن گام بردارد، در حالی که گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می‌کنند.

۲) دوم آن که انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت‌طلب (کمال‌طلب) است و عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روز به روز افزون می‌گردد. او به دنبال چیزی است که پایان نمی‌پذیرد و تمام نمی‌شود (افول ناشدنی‌ها) در حالی که حیوانات و گیاهان هدف‌های محدودی دارند و رشد و کمال آنان محدود و پایان‌پذیر است.

۳) انسان برخلاف حیوانات و گیاهان که استعداد‌های محدود مادی دارند، مجموعه‌ای فراوان از استعداد‌های مادی و معنوی است (علت). به همین دلیل به دنبال انتخاب هدف‌هایی است که از طریق آن استعداد‌های گوناگون خویش را به کمال رساند (معلول).

اختلاف در انتخاب هدف

وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با دنیای حیرت‌انگیزی مواجه می‌شویم، چنان اختلافی در هدف‌ها وجود دارد که سردرگم می‌شویم که به راستی، کدام انتخاب درست و همسو با میل بی‌نهایت‌طلب انسان و استعداد‌های مادی و معنوی اوست.



فعالیت کلاس

به نظر شما منشأ این اختلاف‌ها در انتخاب هدف چیست؟

پاسخ: هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود. اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است، می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی که فکر می‌کند داشتن شهرت مهم است، همه‌ی زندگی خود را در مسیر رسیدن به شهرت قرار می‌دهد. پس اختلاف‌ها در انتخاب هدف‌ها و ریشه در نوع نگاه و اندیشه‌ی انسان دارد.

معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

با توجه به تفاوت نگاه انسان‌ها برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل‌بستن به آن‌ها نیازمند معیار و ملاک هستیم، معیاری که بتوانیم به وسیله‌ی آن، هدف‌های همسو با میل بی‌نهایت‌طلب و استعداد‌های متنوع انسان را مشخص کنیم. بدین وسیله هدف‌های زندگی را به درستی بخواهیم گزید و عمر خود را برای رسیدن به آن‌ها صرف خواهیم کرد.

خدای رحیم و مهربان که خواستار سعادت ماست، در قرآن کریم در این مورد ما را هدایت و راهنمایی می‌کند.

هدف‌های اصلی و فرعی

هر دو هدف‌ها خوب بوده و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن‌قدر به اهداف فرعی دل نبندیم که مانع ما در رسیدن به اهداف اصلی شوند و از رفتن به سوی کمالات بازدارند.

تلاش برای رسیدن به نعمت دنیا نه تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا مرتکب گناه نشویم و با سرگرمی به آن‌ها از زیبایی‌های پایدار باز نمانیم.

برترین هدف

حتماً این مصرع از شعر مولوی را شنیده‌اید که می‌گوید:

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

پیام
ضرب‌المثل

یعنی چیزهای جامع دربردارنده‌ی چیزهای دیگر هستند. و هرچه هدف و مقصود ما کامل‌تر و جامع‌تر باشد، همین امر اهداف کوچک و خرد را هم دربر می‌گیرد.

برخی هدف‌های زندگی، نیز این‌گونه‌اند یعنی در بردارنده‌ی هدف‌های دیگر نیز هستند و رسیدن به آن‌ها برابر با دستیابی به سایر اهداف نیز هست. به میزانی که این گونه‌ها هدف‌ها برتر و جامع‌تر باشند، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند. (رابطه‌ی مستقیم)

معمولاً آدم‌های زیرک و هوشمند هدف‌های خود را طوری انتخاب می‌کنند که «با یک تیر چند نشان بزنند»

سؤال: در میان هدف‌های اصلی، برترین و کامل‌ترین هدف کدام است؟

با توجه به دو ویژگی «متنوع بودن استعدادهای انسان» و «بی‌نهایت طلبی او» اگر هدفی را که انتخاب می‌کنیم، بهتر بتواند پاسخگویی این دو ویژگی باشد آن هدف، کامل‌تر است.

بنابراین برترین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه‌ی استعدادهای متنوع ما را در برگیرد و در جایی متوقف نشود و نهال وجود ما را به درختی پر بار و زیبا تبدیل کند به طوری که سراسر وجود ما را شادابی، بالندگی شور و نشاط فراگیرد. به عنوان مثال وقتی به شخصیت حضرت علی (علیه‌السلام) می‌نگریم، می‌بینیم که ایشان در میدان علم و دانش، رشادت و جنگاوری، سخنوری و خطابه، مهربانی و دوستی، پهلوانی و جوانمردی، نیایش و عبادت، حق‌طلبی و عدالت، پس از رسول خدا بی‌نظیر است. هرکس اندکی تأمل کند، می‌بیند که در ذات خود در جست‌وجوی سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن منبع و مبدأ نرسد، آرامش نیافته و از پای نخواهد نشست. که خود نامحدود است و کمالات و خوبی‌هایش حد و اندازه ندارد. هر کمال و خوبی از او سرچشمه می‌گیرد و در جهان گسترده می‌شود.

پس مقصود و هدف‌نمایی ما خداوند است. اگر روح انسان بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌ها را به صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است که تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصد نهایی او باشد.

(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ)

(قمر، ۵۴ و ۵۵)

البته نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. نزدیکی به خدا نزدیکی حقیقی است، همان‌طور که دوری از هم بدترین نوع دوری است. خدا سرچشمه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

هرکس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد

نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.

مَنْ كَانَ يَرِيدَ ثَوَابَ الدُّنْيَا

فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ



(نساء ۱۳۴)

پیام آیه

(۱) بهره و ثواب آخرت، هدف برتر در زندگی انسان است.
(۲) افراد زیرک با انتخاب خدا به عنوان هدف اصلی به رضایت خدا و بهره‌مندی از بهره‌های مادی زندگی هم می‌رسند.

(۳) رضایت خداوند به عنوان هدف اصلی و برتر، همت و اراده‌ی محکم می‌طلبد. (یُریدُ)

ای دوست، شکر بهتر یا آن که شکر سازد؟	خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟
ای باغ تویی خوش‌تر یا گلشن و گل در تو؟	یا آن که برآرد گل، صد نرگس تر سازد؟
ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش؟	یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

پیام شعر

توجه به تمام مخلوقات و بهره‌مندی از آن‌ها خوب است ولی بهتر از آن توجه و تفکر در قدرت خالق حکیم و تواناست.

اندیشه و تحقیق درس اول



۱. شعر «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست» چه ارتباطی با موضوع هدف زندگی دارد؟
این مصرع را به صورت یک ضرب‌المثل در جایی که یک چیز، جامع و دربردارنده‌ی چیزهای دیگر است، استفاده می‌کنند.
برخی هدف‌های زندگی، نیز این گونه‌اند، یعنی دربردارنده‌ی هدف‌های دیگر نیز هستند و رسیدن به آنها برابر دستیابی به سایر اهداف نیز هست. به میزانی که این گونه اهداف، برتر و جامع‌تر باشند، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند.

۲. علت انتخاب هدف‌های مختلف در بین انسان‌ها چیست؟
این اختلاف در هدف‌ها ریشه در نوع نگاه و اندیشه انسان دارد.

۳. دلیل بیاورید:

الف) زیرک‌ترین افراد این جهان، مؤمنان هستند.
ب) کسی که هدف اصلی زندگی خود را ثروتمند شدن قرار دهد، دچار خسران می‌شود.
معمولاً آدم‌های زیرک و هوشمند هدف‌های خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که به قول معروف «با یک تیر چند نشان بزنند» با توجه به دو ویژگی «متنوع بودن استعداد‌های انسان» و «بی‌نهایت طلبی» او، اگر هدفی را که انتخاب می‌کنیم، بهتر بتواند پاسخگوی این دو ویژگی باشد، آن هدف کامل‌تر است. بنابراین برترین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه‌ی استعداد‌های متنوع ما را دربرگیرد و در جایی متوقف نشود.

مقصود و هدف نهایی ما خداوند است. به راستی چه کسی جز او می‌تواند برترین و اصلی‌ترین هدف ما باشد؟ چه کسی جز او می‌تواند روح پایان‌ناپذیر انسان را سیراب کند و زمینه شکوفاسازی استعدادهای متنوع مادی و معنوی انسان را فراهم آورد؟ اگر روح انسان بی‌نهایت طلب است و خوبی‌ها را به صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است که تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصد نهایی او باشد.

افراد زیرک با انتخاب خدا به عنوان هدف اصلی خود هم از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند و هم از آنجایی که تمام کارهای دنیوی خود را در جهت رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌سازند.

پاسخ ب؟

۴. شخصی می‌گوید: «لازمه‌ی تقرب به خدا این است که کارهایی مانند کسب مال و ثروت که از امور فرعی هستند، کنار گذاشته شود» با او موافقت یا خیر؟ چرا؟

خیر، هدف‌های اصلی و فرعی، هر دو خوب می‌باشند و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف‌های فرعی را به جای هدف‌های اصلی قرار ندهیم.

۵. حکایت زیر را بخوانید و با توجه به آن به سؤال پاسخ دهید.

مسافری در سفر خود به یک دو راهی رسید. از پیرمردی که در آنجا نشسته بود پرسید: «من از کدام یک از این دو راه باید بروم؟ پیرمرد گفت: قصد داری به کجا بروی؟ مسافر جواب داد: نمی‌دانم! پیرمرد گفت: وقتی نمی‌دانی به کجا می‌خواهی بروی، تفاوتی نمی‌کند که کدام راه را انتخاب کنی!»

به نظر شما این حکایت، با کدام یک از بخش‌های درس در ارتباط است؟ چرا؟

این حکایت در ارتباط با بخش «اختلاف در انتخاب هدف» است. هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود. اگر کسی چنین فکر کند که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه‌ی بی‌نهایت طلب او را سیر کند و پاسخگوی استعدادهای گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند.



سؤال‌های تشریحی

۱. علت هدفمند بودن خلقت تک‌تک موجودات این جهان چیست؟
۲. آیه‌ی شریفه‌ی «و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما لاعبین ما خلقناهما الا بالحق» بر چه چیزی دلالت دارد؟
۳. حق بودن نظام آفرینش به چه معناست؟
۴. سخن حضرت علی (ع) درباره‌ی هدف آفرینش انسان را بیان کنید.
۵. علت تفاوت میان هدف انسان و موجوداتی همچون حیوانات و گیاهان چیست؟
۶. تفاوت‌های میان هدف انسان و سایر موجودات را بیان کنید.
۷. اختلاف در اهداف انسان‌ها ریشه در چه چیز دارد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
۸. با توجه به تفاوت نگاه انسان‌ها، انسان برای انتخاب صحیح اهداف نیازمند چیست؟ هم‌چنین چه کسی و چگونه برای رسیدن به این نیاز انسان را راهنمایی می‌کند؟
۹. با تدبر در آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که اهداف چگونه تقسیم‌بندی می‌شوند و مسئله نهم در این مقوله چیست؟
۱۰. برترین هدف اصلی انسان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟
۱۱. مقصود و هدف نهایی انسان چیست، علت آن را بیان کنید.
۱۲. پیام آیه‌ی شریفه‌ی «من کان یُريدُ ثوابَ الدنیا فعنداللهِ ثوابُ الدنیا و الآخرة» را بیان کنید.
- ۱۳.



سؤال‌های چهارگزینه‌ای درس اول

۱. قرآن کریم با بیان آیه‌ی شریفه‌ی به بودن آفرینش جهان اشاره کرده و بر آن تأکید می‌کند؟
 - (۱) و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما لاعبین ... - حق
 - (۲) و خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما لاعبین - مستحکم
 - (۳) من کان یرید ثواب الدنیا فعندالله ثواب الدنیا و الآخرة - حق
 - (۴) من کان یرید ثواب الدنیا فعندالله ثواب الدنیا و الآخرة - مستحکم
۲. حضرت علی (ع) در موعظه مردم معمولاً سخن خود را با کدام عبارت آغاز می‌نمودند؟ ای مردم
 - (۱) دقت کنید که خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست را به بازیچه نیافریده است.
 - (۲) از خدا بترسید و گمان نکنید که خدا جهان و جهانیان را برای هدفی کوچک خلق کرده است.
 - (۳) هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لهو کند.
 - (۴) تقوا پیشه کنید و از افکار باطل بپرهیزید و به خداوند جهانیان ایمان بیاورید.
۳. «حق» بودن آفرینش جهان خلقت به چه معناست؟
 - (۱) منظم بودن آفرینش
 - (۲) استحکام و متقن بودن جهان خلقت
 - (۳) انسجام و یکپارچگی آفرینش
 - (۴) هدفداری جهان خلقت
۴. جمله‌ی حضرت علی (ع) در مطلع مواعظ خود به مردم به مفهوم کدام آیه‌ی شریفه اشاره دارد؟
 - (۱) من کان یرید ثواب الدنیا فعندالله ثواب الدنیا و الآخرة
 - (۲) و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما لاعبین ما خلقناهما الا بالحق
 - (۳) انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً
 - (۴) و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها
۵. حرکت و سیر حیوانات و گیاهان به سوی هدف‌هایشان به ترتیب چگونه است؟
 - (۱) طبیعی - غریزی
 - (۲) طبیعی - طبیعی
 - (۳) غریزی - طبیعی
 - (۴) غریزی - غریزی
۶. کدام گزینه بیانگر فرق و تمایز هدف‌گزینی انسان با سایر مخلوقات نیست؟
 - (۱) انسان متمایز از سایر مخلوقات در انتخاب هدف خود مجبور نیست.
 - (۲) انسان برخلاف حیوانات و گیاهان به دنبال هدف است و این مسیر هیچ محدودیتی ندارد.
 - (۳) انسان دارای روحیه‌ی بی‌نهایت‌طلبی است و عطش او در دستیابی به اهدافش هیچ‌گاه کم نمی‌شود.
 - (۴) گیاهان و حیوانات برخلاف انسان به صورت طبیعی و غریزی به سوی هدف خود حرکت می‌کنند.
۷. منشأ و ریشه‌ی اختلاف انسان‌ها در اهدافشان چیست؟
 - (۱) تفاوت در فطرت‌ها
 - (۲) تفاوت در بینش و نگرش انسان‌ها
 - (۳) اختلاف انسان‌ها در بهره‌مندی از قدرت اختیارشان
 - (۴) اختلاف در افکار و نوع بهره‌مندی از مواهب فطری

۸. کدام گزینه در مورد اهداف اصلی و فرعی انسان به طور صحیح بیان نشده است؟

- (۱) اهداف فرعی در زندگی انسان هیچ ضرورتی ندارند و نباید مورد توجه او قرار گیرند.
- (۲) تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیایی به عنوان هدف فرعی، ضروری و خوب است.
- (۳) اهداف فرعی نباید عامل دلبستگی انسان قرار بگیرند و خود را اصل جلوه دهند.
- (۴) تمام اهداف انسان اعم از اصلی یا فرعی از لوازم ضروری زندگی انسان هستند.

۹. افراد زیرک در تحقق ضرب‌المثل «چون که صد آمد نود هم پیش ماست» در مسیر رسیدن به اهداف اصلی کدام آیه‌ی شریفه را سرلوحه کار خود می‌دهند؟

- (۱) و ما خلقنا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبُدُنَا
- (۲) أَنَا هِدِينَا السَّبِيلَ آمَّا شَاكِرًا وَآمَّا كَفُورًا
- (۳) مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابٌ دُنْيَا وَآخِرَةٌ
- (۴) وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ

۱۰. با توجه به ویژگی در روح انسان بهتر است که به عنوان مقصد و هدف نهایی انسان باشد.

- (۱) میل به جاودانگی - مقام رضا و رضوان الهی
- (۲) میل به جاودانگی - تقرب به خداوند بزرگ
- (۳) بی‌نهایت‌طلبی - مقام رضا و رضوان الهی
- (۴) بی‌نهایت‌طلبی - تقرب به خداوند بزرگ

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

پاسخ سؤال‌های تشریحی



۸. برای انتخاب صحیح هدف ما و دل‌بستن به آنها نیازمند معیار و ملاک هستیم. خدای رحیم و مهربان که خواستار سعادت ماست، در قرآن کریم ما را در این مورد هدایت و راهنمایی می‌کند.

۹. با تدبر در آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که سخن از اهداف اصلی و فرعی در میان است، که هر دو خوب می‌باشند و برای زندگی ما سروری هستند. مهم ایت است که هدف‌های فرعی را به جای هدف اصلی قرار بدهیم و آن‌قدر به اهداف فرعی دل نبندیم که مانع رسیدن به هدف اصلی شوند.

۱۰. برترین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه استعداد‌های متنوع ما را در برگیرد و در جایی متوقف نشود و نهال وجود ما را به درختی پر بار و زیبا تبدیل کند به طوری که سراسر وجود ما را شادابی، بالندگی، شور و نشاط فراگیرد.

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱. گزینه‌ی ۱

۲. گزینه‌ی ۳

۳. گزینه‌ی ۴

۴. گزینه‌ی ۲

۵. گزینه‌ی ۳

۶. گزینه‌ی ۲

۷. گزینه‌ی ۲

۸. گزینه‌ی ۱

۹. گزینه‌ی ۳

۱۰. گزینه‌ی ۴

۱. در پس خلقت تک تک موجودات این جهان هدفی وجود دارد؛ زیرا خالق آنها خدایی حکیم است؛ یعنی خدایی که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد.

۲. پیام آیه:
این آیه هدفمندی و ثمربخشی خلقت جهان را بیان می‌کند و بازیچه و بیهوده بودن آفرینش جهان را سلب می‌کند.

۳. حق بودن نظام آفرینش به معنای هدف‌دار بودن خلقت آن‌هاست.

۴. ای مردم ... هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لهو کند و او را به خود وانگذاشته‌اند تا به کارهای لغو و بی‌ارزش بپردازد.

۵. میان هدف انسان و سایر موجودات، تفاوت‌هایی وجود دارد، تفاوت‌هایی که به ویژگی‌های خاص انسان و تمایز او از سایر موجودات باز می‌گردد.

۶. ۱- انسان خود باید هدف از خلقت خودش را بشناسد، آن را انتخاب کند و به سوی آن گام بردارد. در حالی که گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می‌کنند.

۲- انسان دارای روحیه بی‌نهایت‌طلب است و عطش او در دست‌یابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود بلکه روزافزون می‌گردد، او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد و تمام نمی‌شود و همواره در حال انتخاب هدف‌های پایان‌ناپذیر و تمان نشدنی است؛ ولی حیوانات و گیاهان هدف‌های محدودی دارند و هنگامی که به سرحدی از رشد و کال می‌رسند، متوقف می‌شوند، چنان که گویی راهشان پایان یافته است.

۷. این اختلاف ریشه در نوع اندیشه، بیتش رو نگرش انسان‌ها دارد.

برای مثال اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه بی‌نهایت طلب او را سیراب کند و پاسخگوی استعداد‌های گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند.

درس دوم:

پر پرواز

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام





هدف کلی درس

خداوند در مسیر رو به کمال انسان، سرمایه‌ها و ودیعه‌هایی به وی بخشیده تا با آن‌ها بتواند سیر الی الله داشته و به هدف جامع و اصلی خود یعنی تقرب به خدا برسد. البته انسان در این مسیر باید با موانع رشد و رستگاری که همان شیطان و نفس اماره است آشنا شده و فریب آن‌ها را نخورد.

سرمایه‌های انسان

خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آن‌ها را در وجود او قرار داده است، پس خداوند متعال انسان را گرمی داشته و برای او در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است. سرمایه‌های انسان عبارتند از:

(۱) تفکر و تعقل

پروردگار، به ما نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط، خوب را از بد تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.

(۲) قدرت اختیار و انتخاب

خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفریده و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. پس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا با استفاده از سرمایه‌ی عقل راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.



(انسان، ۳)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

ما راه را به او نشان دادیم

یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس.

پیام آیه

(۱) آیه بیانگر قدرت اختیار انسان است.

(۲) خداوند انسان را به راه راست هدایت کرده نه اجبار

(۳) پذیرش هدایت الهی یا رویگردانی از آن ریشه در اختیار انسان دارد.

(۴) انسان باید در مقابل نعمت بزرگی همچون هدایت الهی، شاکر و سپاسگزار باشد.

(۳) فطرت و سرشت خدا آشنا

خداوند سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را در وجود ما قرار داد (عَلَّتْ). از این رو هرکس در خود می‌نگرد و یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل احساس می‌کند (معلول).

حدیث

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«هیچ چیز را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم.»

پیام
حدیث

- (۱) در همه جا خدا را دیدن نشانه‌ی فطرت است.
 - (۲) همه‌ی مخلوقات نشانه‌ی وجود خدا هستند و درک این مطلب فطری است.
- گاهی غفلت‌ها سبب (عَلَّتْ)، دوری ما از او و فراموشی یاد او می‌شود (معلول)، ولی باز که به خود بازمی‌گردیم، او را در کنار خود می‌یابیم و می‌گوییم:

دوست نزدیک‌تر از من به من است
چه کنم با که توان گفت که او
وین عجب‌تر که من از وی دورم
در کنار من و من مهجورم

(۴) گرایش به خیر و نیکی و بیزاری از بدی

خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در وجود ما قرار داد (عَلَّتْ)، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بیرهیزیم (معلول)
از این رو است که همه‌ی ما فضائی چون صداقت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم.

سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید
آن‌گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد.

وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا

فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا



(شمس، ۷ و ۸)

پیام آیه

- (۱) خداوند به این نفس (نفس مُلَهَمَه) سوگند یاد کرده است.
- (۲) به عَلَّتْ وجود فطرت، انسان به خوبی‌ها متمایل و از بدی‌ها بیزارست.
- (۳) شناخت خوبی‌ها (تقوا) و بدی‌ها (فجور) درون انسان یافت می‌شود.

(۵) نفس لَوَّامَه (وجدان اخلاقی)

گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب می‌شود (عَلَّتْ)، که در مقابل گناه و زشتی واکنش نشان دهد و آن‌گاه که به گناه آلوده شد، خود را سرزنش و ملامت کند و در اندیشه‌ی جبران آن برآید. قرآن کریم، عامل درونی این حالت را «نفس لَوَّامَه» یعنی نفس سرزنشگر نامیده و به آن سوگند خورده است.

و سوگند به نفس ملامت‌کننده

وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ



(قیامت، ۲)

پیام آیه

- (۱) یکی از ودیعه‌های انسان، نفس لَوَّامَه و وجدان اخلاقی اوست.
- (۲) خداوند به خاطر اهمیت نفس لَوَّامَه به آن سوگند خورده است.
- (۳) نفس لَوَّامَه عامل شماتت و سرزنش پس از گناه است.

۶) هدایت الهی به وسیله پیامبران و پیشوایان

علاوه بر این سرمایه‌های بزرگ، خداوند، پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنما برای ما فرستاد تا راه سعادت را به ما نشان دهند و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند.

سرمایه و هدف

هدف و مسیر حرکت هرکس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد. اگر کسی سرمایه‌ای اندک داشته باشد، به کاری کوچک روی می‌آورد. ولی هرچه برای سرمایه افزون گردد، هدف‌های بزرگ‌تری را می‌تواند مد نظر قرار دهد و به کارهای ارزشمندی رو آورد.

انسان سرمایه‌های عظیم و ارزشمندی همچون عقل، وجدان و راهنمایان الهی و ... دارد که حیوانات و گیاهان از آن برخوردار نیستند.

از آن‌جا که ما بیش از حیوانات سرمایه و استعداد داریم، قطعاً هدف و مسیر ما نیز باید متفاوت از آن‌ها باشد. پس نباید قانع بوده و در سطح پایین بمانیم. هدف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان باشد.

موانع رسیدن به هدف

خداوند علاوه بر این‌که عوامل رشد و کمال را به ما نشان داده، عوامل سقوط و گناه و دور ماندن از هدف را نیز به ما معرفی کرده است.

۱) نفس اماره

خداوند به ما یادآوری می‌کند که عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می‌دارد.

نفس اماره، میل سرکشی است که در درون انسان طغیان می‌کند و وی را به گناه فرا می‌خواند.

نفس اماره، یعنی فرمان‌دهنده به بدی‌ها.

حدیث

امام علی (علیه‌السلام) درباره‌ی نفس اماره فرموده است:

دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.

۲) شیطان

همچنین خداوند از عاملی بیرونی خبر می‌دهد که خود را برتر از آدمیان می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد. کار او وسوسه کردن و فریب‌دادن است و جز این، راه نفوذ دیگری در ما ندارد.

شیطان در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به اهل جهنم می‌گوید: «خداوند به شما وعده‌ی حق داد، اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من به شما تسلطی نداشتم، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید (اختیار انسان) امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.»

اندیشه و تحقیق درس دوم



۱. آیا وجود شیطان، مانع اختیار و اراده‌ی ما در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود؟
خیر، کار شیطان تنها وسوسه کردن و فریب دادن است و جز این راه نفوذ دیگری در ما ندارد، انسان مسئول کارهای خویش است زیرا دارای اختیار است.
۲. چه رابطه‌ای میان «توانایی‌ها و سرمایه‌ها» و «هدف» وجود دارد؟
هدف و مسیر هرکس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد.

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام



سؤالهای تشریحی

۱. علت برشمردن خودشناسی به عنوان سودمندترین دانش‌ها چیست؟
۲. سرمایه‌هایی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است تا بتواند در مسیر رشد و کمال خود حرکت کنند و به هدف خلقت یعنی تقرب الهی دست یابد را نام ببرید.
۳. پیام آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا» را بیان کنید.
۴. این سخن امیرمؤمنان علی (ع) که می‌فرماید: «هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر این‌که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم» بر کدام‌یک از سرمایه‌های الهی دلالت دارد؟ توضیح دهید.
۵. پیام آیه‌ی شریفه‌ی «و نفسٍ و ما سَوَّاهَا فَالَهُمَّهَا فَجُورُهَا و تقواها» چیست؟ و بر کدام‌یک از سرمایه‌های الهی دلالت دارد؟
۶. ویژگی‌های «نفسِ لَوَّامه» را بیان کنید.
۷. «نفسِ لَوَّامه» معلول و نتیجه‌ی کدام یک از سرمایه‌های انسان است؟
۸. موانع رسیدن به هدف را برشمارید.
۹. این سخن حضرت علی (ع) که می‌فرماید: «دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست» به کدام نفس اشاره دارد؟ ویژگی‌های این نفس را بیان کنید.
۱۰. شیطان، در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است خطاب به اهل جهنم چه می‌گوید؟
۱۱. موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام



سؤال‌های چهارگزینه‌ای درس دوم

۱. به بیان امیرالمؤمنین (ع) سودمندترین دانش‌ها کدام است و اولین گام برای حرکت انسان در مسیر رسیدن به تقرب الهی کدام است؟
 - (۱) خودشناسی - خودشناسی
 - (۲) خودشناسی - خداشناسی
 - (۳) خداشناسی - خداشناسی
 - (۴) خداشناسی - خودشناسی
۲. کدام یک از آیات شریفه به ترتیب به «قدرت اختیار» و «گرایش به خیر و نیکی» از سرمایه‌های رشد انسان اشاره دارند؟
 - (۱) و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها - انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً
 - (۲) و لا أقسم بالنفس اللوامة - و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها
 - (۳) انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً - و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها
 - (۴) انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً - و لا أقسم بالنفس اللوامة
۳. «تشخیص راه‌های درست زندگی از راه‌های غلط» و «دریافت حقایق» به ترتیب به کدام یک از سرمایه‌های انسان اشاره دارند؟
 - (۱) قدرت اختیار - تعقل و اندیشه
 - (۲) تعقل و اندیشه - قدرت اختیار
 - (۳) تعقل و اندیشه - تعقل و اندیشه
 - (۴) قدرت اختیار - قدرت اختیار
۴. واکنش انسان در مقابل گناهان مورد اشاره دارد.
 - (۱) معلول - نخستین
 - (۲) معلول - دومین
 - (۳) علت - نخستین
 - (۴) علت - دومین
۵. حدیث نورانی امام علی (ع) «هیچ چیزی را مشاهده نکردم مگر این که خدا را ...» با کدام بیت یا آیه و در اشاره به کدام سرمایه‌ی انسان هم‌مفهوم است؟
 - (۱) چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم - گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها
 - (۲) چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم - فطرت
 - (۳) و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها - فطرت
 - (۴) و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها - گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها
۶. دشمن‌ترین دشمن انسان به تعبیر امام علی (ع) کیست و یکی از کارهای او در مسیر فریب انسان کدام است؟
 - (۱) شیطان - ممانعت از پیروی از عقل و وجدان
 - (۲) نفس اماره - ممانعت از پیروی از عقل و وجدان
 - (۳) نفس اماره - وسوسه کردن و فریب دادن
 - (۴) شیطان - وسوسه کردن و فریب دادن
۷. شیطان در روز قیامت به اهل جهنم جملاتی را می‌گوید به جز:
 - (۱) من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم.
 - (۲) من به شما تسلطی نداشتم فقط شما را به گناه دعوت کردم.
 - (۳) شما خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید.
 - (۴) به شما حق می‌دهم که مرا سرزنش کنید ولی من نمی‌توانیم به شما کمکی کنم.

۸. کدام مورد به شیطان ارتباطی ندارد؟

- (۱) خود را از آدمیان برتر پنداشت.
 (۲) سوگند یاد کرد که فرزندان آدم را فریب دهد.
 (۳) انسان را از پیروی از عقل و وجدان باز می‌دارد.
 (۴) جز وسوسه کردن راه نفوذ دیگری در انسان ندارد.

۹. نفسی که خداوند در آخرین نازل‌هی خود بر پیامبر (ص) سوگند خورده کدام است و وجود همین نفس در انسان بازتاب

مفهوم کدام آیه‌ی شریفه است؟

- (۱) لَوَامِه - و لَا أَقْسَمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامِه
 (۲) اَمَّارَه - و لَا أَقْسَمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامِه
 (۳) لَوَامِه - و نفس و ما سَوَّاهَا فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَ تَقْوَاهَا
 (۴) اَمَّارَه - و نفس و ما سَوَّاهَا فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَ تَقْوَاهَا

۱۰. «دوستی فضائل و بیزاری از رذائل» و «احساس محبت الهی در دل» به ترتیب ثمره‌ی بهره‌مندی انسان از کدامین سرمایه‌های الهی است؟

- (۱) شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن - تفکر و تعقل
 (۲) شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن - فطرت
 (۳) فطرت - شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن
 (۴) فطرت - تفکر و تعقل

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

پاسخ سؤال‌های تشریحی



۲- خود را سرزنش و ملامت می‌کند.

۳- در اندیشه جبران برمی‌آید.

۷.

گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها

۸.

۱- نفس اماره

۲- شیطان

۹.

شیطان

کار او فریب دادن و وسوسه کردن است و جز این، راه نفوذ دیگری ندارد.

۱۰.

خداوند به شما وعده حق داد؛ اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم؛ فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید، نه مرا. نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.

۱.

می‌دانیم که جامع‌ترین و اصلی‌ترین هدف زندگی انسان، نزدیکی و تقرب به خداست؛ رشد و کمال انسان و در نتیجه رستگاری او فقط با گام برداشتن به سوی این هدف میسر می‌شود. اولین گام برای حرکت انسان در این مسیر، شناخت انسان است؛ یعنی شناخت سرمایه‌ها، توانایی‌ها و استعدادها و او و چگونگی به کارگیری این سرمایه‌ها و همچنین شناخت موانع حرکت انسانی در مسیر تقرب خداوند و نحوه مقابله یا اجتناب از این موانع ب همین دلیل است که خودشناسی سودمندترین دانش‌ها شمرده شده است.

۲.

۱- قدرت تفکر و تعقل

۲- قدرت اختیار و انتخاب

۳- فطرت خدا آشنا

۴- شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن

۵- نفس لواحه

۶- هدایت الهی توسط پیامبران و امامان

۳.

این آیه به قدرت اختیار و انتخاب دلالت دارد.

هرکس مسئول سرنوشت خویش است.

۴.

این روایت بر «فطرت خدا آشنا» دلالت دارد.

خداوند سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را در وجود ما قرار داد. از این رو هرکس در خود می‌نگرد و یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل احساس می‌کند.

۵.

این آیه بر «شناخت و گرایش به خیر و نیکی» از سرمایه‌های انسان دلالت دارد.

۶.

۱- در مقابل گناه و زشتی واکنش نشان می‌دهد.

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱. گزینه‌ی ۱
۲. گزینه‌ی ۳
۳. گزینه‌ی ۳
۴. گزینه‌ی ۱
۵. گزینه‌ی ۲
۶. گزینه‌ی ۲
۷. گزینه‌ی ۴
۸. گزینه‌ی ۳
۹. گزینه‌ی ۳
۱۰. گزینه‌ی ۲

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

درس سوم:

پنجرہی بہ روشنائی

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام





هدف کلی درس

دیدگاه‌های متفاوت انسان‌ها نسبت به مرگ و پیامدهای مرتبط هر دیدگاه موضوع این درس است. دو دیدگاه عمده نسبت به مرگ وجود دارد که مورد بررسی قرار می‌گیرند.

هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می‌بندد و پرونده‌ی زندگی چندین ساله‌اش با مرگ بسته می‌شود، چه سرنوشتی در انتظار اوست؟

درباره‌ی زندگی پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد:

(۱) اعتقاد به معاد

دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان، نشان می‌دهد که انسان دارای دو بُعد جسمانی و روحانی است. بعد جسمانی مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است و سرانجام فرسوده و متلاشی می‌شود. در مقابل بُعد روحانی و غیرجسمانی (مجرد) انسان، تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد، متلاشی نمی‌شود و بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد. پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان‌بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند، بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌دانند یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می‌کند.

احادیث

(۱) رسول خدا (ص) فرمودند:

(برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید؛ بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.)

(۲) از پیامبر (ص) پرسیدند: «باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟»

فرمودند: «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.»

(۳) پیامبر (ص) فرمودند:

الْأَنَسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهَوْا

مردم (در این دنیا) در خوابند، هنگامی که بمیرند، بیدار می‌شوند.

در این دیدگاه زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می‌یابد.

قرآن نیز این‌گونه دنیا و آخرت را مقایسه می‌کند و می‌فرماید:



(عنکبوت، ۶۴)

این زندگی دنیا
جز سرگرمی و بازی نیست
و سرای آخرت
زندگی حقیقی است
اگر می‌دانستید.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ
وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ
لَهِيَ الْحَيَوَانُ
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

پیام آیه

- (۱) آیه بیانگر ماهیت دنیا و آخرت است.
- (۲) زندگی دنیوی کم‌ارزش ولی زندگی آخرت حقیقی است.
- (۳) آیه درصدد نمایش چهره‌ی مُلکی و واقعی دنیا و آخرت است.

آثار (پیامدها) اعتقاد به معاد

(۱) با این دیدگاه، پنجره‌ی امید و روشنائی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می‌گیرد.



(مائده، ۶۹)

اگر کسی به خدا و معاد ایمان بیاورید
و عمل صالح انجام دهد
پس هیچ ترسی برای آن‌ها نخواهد بود
و نیز هیچ حزن و اندوهی

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
وَ عَمِلَ صَالِحًا
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

پیام آیه

- (۱) آیه مربوط به اولین پیامد دیدگاه الهی نسبت به مرگ است.
 - (۲) ایمان به خدا و معاد و انجام عمل صالحی برای رهایی از ترس و حزن و ناامیدی است.
 - (۳) زندگی انسان دارای دو بُعد اعتقادی (آمن) و عملی (عَمِلَ صالحاً) می‌باشد.
- این شور و نشاط (معلول) به این دلیل است که وی می‌داند که هیچ‌یک از کارهای نیک او در آن (جهان) بی‌پاداش نمی‌ماند (علت)، حتی اگر آن کارها به چشم کسی نیاید (تقدم کیفیت بر کمیت) و همچنین اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او شود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آن‌ها را به سزای اعمالشان خواهد رساند.
- چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همتی خستگی‌ناپذیر می‌شود و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند هرچه بیشتر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود.
- (۲) انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد (نهراسیدن از مرگ) و همواره آماده‌ی فداکاری در راه خداست. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و اما به آن دل نمی‌بندند (علت)، از این رو، مرگ را ناگوار نمی‌دانند (معلول). آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند یا با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند. نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه از خدا عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه‌ی رشد خود را فراهم آورند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

نترسیدن از مرگ (علت)، سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله‌ی عالی آن برسد (معلول).

حدیث

امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند:

«من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینیم.»

و نیز خطاب به یاران خود فرمودند:

«مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت جاوید عبور می‌دهد. پس کدام‌یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟»

۲) انکار معاد (دیدگاه مادی نسبت به مرگ)

گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرارسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده‌ی او را برای همیشه می‌بندند. در این دیدگاه مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، رهسپار نیستی می‌گردد.



(جائیه، ۲۴)

(کافران) گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی دنیایی

همواره (گروهی) می‌میریم و (گروهی) زنده می‌شویم

و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند

البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند بلکه

فقط ظن و خیال آنان است.

و قالوا ما هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا

نَمُوتُ وَ نَحْيَا

وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ

إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

پیام آیه

۱) آیه به دیدگاه مادی و غیرالهی نسبت به مرگ اشاره دارد.

۲) کافران زندگی را محدود و منحصر به این دنیا می‌پندارند.

۳) کافران برای سخنان خود هیچ منطقی علمی و استدلالی ندارند.

آثار (پیامدها) انکار معاد

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی‌نهایت طلب است و میل به جاودانگی (علت) دارد این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هر کاری سرگرم سازد تا آینده‌ی تلخی را که در انتظار دارد فراموش کند (معلول) روشن است که این شیوه، عاقبتی جز فرورفتن در گرداب آلودگی‌ها نخواهد داشت.

اما گروهی دیگر که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، همین زندگی چند روزه نیز برایشان بی‌ارزش می‌شود، در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شوند و شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهند و از دیگران کناره گرفته و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند.

البته این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

فعالیت کلاس

۱) آیا گروهی که راه بی‌توجهی و غفلت از مرگ را پیش می‌گیرند، شیوه‌ی درستی را انتخاب کرده‌اند؟ چرا؟

پاسخ: خیر، زیرا اینان با سعی در بی‌توجهی و غفلت نسبت به مرگ در واقع صورت مسأله را پاک کرده‌اند و هیچ گامی در حل کردن مسأله برنداشته‌اند. بی‌توجهی به مرگ موضوع مرگ را از بین نبرده و راه حلی نیز پیش پای آنان نمی‌گذارد.

۲) با دقت در جریانات و اتفاقات پیرامون خود، برخی از اعمال و رفتارهایی که ناشی از فراموشی و غفلت از آخرت است را بیان کنید.

پاسخ: تمام اعمال و رفتار و سبک زندگی که خالی از یاد خدا بوده و به دستورات و فرامین الهی توجهی نشود نشانگر فراموشی و غفلت از آخرت است. دنیاطلبی‌ها بر پایه‌ی هوا و هوس و سرگرم لذت‌های بی‌اساس و زودگذر دنیایی نمونه‌هایی از این‌گونه موارد است.

اندیشه و تحقیق درس سوم



موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

۱. چرا برخی از افراد با اینکه می‌گویند آخرت را قبول دارند، در زندگی خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟

زیرا قبول داشتن این افراد به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها و گناهان، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند.

۲. آیا توجه به آخرت، لزوماً بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی را در پی دارد؟

خیر، اعتقاد به معاد نه تنها سبب عقب‌ماندگی نمی‌گردد، بلکه تلاش بیشتر و هم‌چنین در نظر گرفتن رفتار درست در زندگی را به دنبال داد تا انسان آخرتی زیبا را برای خود رقم بزند.



سؤال‌های تشریحی

۱. ویژگی‌های بعد جسمانی انسان را نام ببرید.
۲. ویژگی‌های بعد روحانی انسان را ذکر کنید.
۳. پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را چگونه می‌پندارند؟
۴. وقتی از رسول خدا (ص) پرسیدند: باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ ایشان در جواب چه فرمودند؟
۵. پیام این روایت حضرت رسول (ص) را بیان کنید.
۶. «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا»
۷. مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که بیدار می‌شوند.
۸. پیام آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» را بیان کنید.
۹. با توجه به آیه‌ی «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» گرفتار ترس و اندوه نشدن مشروط به چیست؟
۱۰. آثار و پیامدهای نگرش الهی درباره‌ی مرگ (اعتقاد به معاد) را نام ببرید.
۱۱. علت ناگوار ندانستن مرگ از منظر خداپرستان حقیقی چیست؟
۱۲. از منظر خداپرستان حقیقی مرگ برای چه کسانی ناگوار و هولناک است؟
۱۳. خداپرستان حقیقی با آن‌که از مرگ نمی‌هراسند، اما باز هم از خداوند عمر طولانی می‌خواهند، علت این امر چیست؟
۱۴. ثمرات نه‌راسیدن از مرگ را بیان کنید.
۱۵. آن‌گاه که امام حسین (ع) در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفتند چه فرمودند؟ پیام این حدیث را بیان کنید.
۱۶. پیامدهای انکار معاد را نام ببرید.



سؤال‌های چهارگزینه‌ای درس سوم

۱. از منظر پیامبر اکرم (ص) باهوش‌ترین کسانی‌اند که
 - (۱) مردم - فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.
 - (۲) مؤمنان - فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.
 - (۳) مردم - باور دارند که برای نابودی و فنا خلق نشده‌اند بلکه برای بقا آفریده شده‌اند.
 - (۴) مؤمنان - باور دارند که برای نابودی و فنا خلق نشده‌اند بلکه برای بقا آفریده شده‌اند.
۲. کدام آیه یا حدیث زندگی حقیقی را به جهان پس از مرگ نسبت داده و زندگی دنیا را به خوابی کوتاه تشبیه می‌کند؟
 - (۱) و ما هذه الحیاء الدنیا الا لهو و لعب
 - (۲) الناس نیام فاذا ماتوا انبتھوا
 - (۳) من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً
 - (۴) فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون
۳. اولین پیامد اعتقاد به معاد و رستاخیز و آیه مربوط به آن کدام است؟
 - (۱) تقویت شور و نشاط و انگیزه کار و فعالیت - و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا ...
 - (۲) نهراسیدن از مرگ و آماده‌ی فداکاری در راه خدا - و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا ...
 - (۳) تقویت شور و نشاط و انگیزه کار و فعالیت - من آمن بالله و الیوم الآخر ...
 - (۴) نهراسیدن از مرگ و آماده‌ی فداکاری در راه خدا - من آمن بالله و الیوم الآخر ...
۴. هرگاه بخواهیم با تکیه بر وحی الهی، تعریفی برای دنیا ارائه دهیم، پیام کدام آیه وافی به این مقصود است؟
 - (۱) من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون.
 - (۲) و ما هذه الحیاء الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لہی الحیوان.
 - (۳) و نفس و ما یسواھا فالھمھا فجورھا و تقواھا.
 - (۴) و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما یھلکنا الا الدھر.
۵. «الهیون» که مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح او می‌دانند، از خداوند عمر طولانی طلب می‌کنند تا به کدامین هدف می‌رسند؟
 - (۱) کفهی متعادل دنیا و آخرت را هم سنگ جلوه بدهند.
 - (۲) به دنیاپرستان بفهمانند که اعتقاد به عالم پس از مرگ، منافات با دل سپردن به دنیا ندارد.
 - (۳) با تلاش بیش‌تر در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند.
 - (۴) راه نیک‌بختی را برای آیندگان هموار کنند و اثبات کنند که عبادت به جز خدمت خلق نیست.
۶. کدام‌یک از آثار انکار معاد نیست؟
 - (۱) ابتلا به یأس و ناامیدی
 - (۲) سرگرم شدن به هر کاری تا آینده تلخ را فراموش کند.
 - (۳) از دست دادن شادابی و نشاط زندگی
 - (۴) فراموشی کامل مرگ و زندگی پس از آن

۷. کدام پیام از آیه‌ی شریفه‌ی «و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما یُهْلکنا الا الذَّهْر و ما لَهمْ بذلک من علم ان هم الا یظنون» مستفاد نمی‌گردد؟

- (۱) کافران، وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان پرونده‌ی او را برای همیشه می‌بندند.
- (۲) گمان کافران نسبت به تلاش‌پذیری انسان پس از مرگ ریشه در پذیرفتن اصالت روح برای انسان است.
- (۳) دیدگاه کافران نسبت به مرگ زائیده‌ی ظن و خیال آنان است که ابتدا و انتهای زندگی انسان را همین دنیا می‌دانند.
- (۴) کافران تمام حیات و زندگی انسان را محدود و منحصر به همین دنیای خاکی می‌دانستند.

۸. جمله‌ی «من مرگ را جز سعادت نمی‌بینم» الهام از آیه‌ی شریفه‌ی می‌باشد.

- (۱) امام علی (ع) - ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا
- (۲) امام علی (ع) - من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً
- (۳) امام حسین (ع) - من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً
- (۴) امام حسین (ع) - ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا

۹. رابطه‌ی «میل به جاودانگی» و «بی‌نهایت‌طلبی» در انسان با تغافل از یاد مرگ و بی‌ارزش شدن زندگی چندروزه به ترتیب چگونه است؟

- (۱) علّت - علّت
- (۲) علّت - معلول
- (۳) معلول - معلول
- (۴) معلول - علّت

۱۰. نهراسیدن از مرگ که پیامد باور به معاد و رستاخیز است مفهوم عبارت قرآنی بوده و سهولت دفاع از حق و مظلوم است.

- (۱) نخستین - فلا خوف علیهم - معلول
- (۲) دومین - فلا خوف علیهم - علّت
- (۳) نخستین - و لا هم یحزنون - علّت
- (۴) دومین - و لا هم یحزنون - معلول

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

۸.

با این دیدگاه زندگی از بن‌بست بیرون نمی‌آید و پنجره‌ی امید و روشنائی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار زندگی را فرامی‌گیرد.

۲- انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد، در نتیجه همواره آماده‌ی فداکاری در راه خداست.

۹.

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند، اما به آن دل نمی‌سپارند، از این رو مرگ را ناگوار نمی‌دانند.

۱۰.

آنان معتقدند مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که:

۱- زندگی را محدود به دنیا می‌بینند.

۲- با کوله باری از گناه با آن مواجه می‌شوند.

۱۱.

آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه رشد خود را فراهم آورد تا بتوانند با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

۱۲.

این عامل سبب می‌شود که دفاع از حق مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله علی آن برسد.

۱۳.

فرمودند: «من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم».

۱۴.

۱- همین زندگی چند روزه برایش بی‌ارزش می‌شود.

۲- دچار یأس و ناامیدی می‌شود.

۳- از دیگران کناره می‌گیرد.

۴- به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شود.

پاسخ سؤال‌های تشریحی



۱.

۱- دائم در حال تغییر و دگرگونی است.

۲- سرانجام فرسوده و متلاشی می‌شود.

۲.

۱- تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد.

۲- متلاشی نمی‌شود.

۳- بعد از مرگ بدن باقی می‌ماند.

۴- آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد.

۳.

۱- مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند.

۲- مرگ را عمدی برای جسم و تن انسان می‌دانند.

۳- مرگ را طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌دانند.

۴- مرگ را پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا ۹ به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می‌کند.

۴.

فرمود: «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را

برای آن آماده می‌کنند»

۵.

این روایت بر کم‌ارزش بودن و مصداق لهو و لعب بودن زندگی

دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید دارد.

۶.

قرآن کریم در این آیه به کم‌ارزش بودن زندگی دنیوی و

حقیقی بودن زندگی آخرت اشاره دارد.

۷.

گرفتار ترس و اندون نشدن مشروط بر:

۱- ایمان به خدا

۲- ایمان به قیامت

۳- انجام عمل صالح است.

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱. گزینه‌ی ۲
۲. گزینه‌ی ۲
۳. گزینه‌ی ۳
۴. گزینه‌ی ۲
۵. گزینه‌ی ۳
۶. گزینه‌ی ۴
۷. گزینه‌ی ۲
۸. گزینه‌ی ۳
۹. گزینه‌ی ۱
۱۰. گزینه‌ی ۲

رزمندگان

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

درس چہارم:

آئندہ روشن

رزمندگان

موسسہ خدمات علمے و آموزشے رزمندگان اسلام





هدف کلی درس

تبیین استدلال‌هایی که ضرورت معاد را اثبات می‌کنند و بررسی دلایل مربوط به امکان معاد در سیره‌ی پیامبران الهی هدف اصلی این درس است.

اهمیت و ضرورت بحث از معاد

به چه دلیل آدمی باید موضوع ضرورت بحث از معاد را با دقت لازم مورد بررسی قرار دهد؟
برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می‌کنیم:

دفع خطر احتمالی

انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد.

در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغ‌گو، به ما خبری بدهد که احتمال خطری وجود داشته باشد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همه‌ی ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گویید «دفع خطر احتمالی، لازم است». پیامبران عاقل‌ترین و راست‌گوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند. آنان با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. همه‌ی آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه‌ی ایمان به خدا دانسته‌اند.

در قرآن کریم نیز بعد از یکتاپرستی درباره‌ی هیچ موضوعی به اندازه‌ی معاد سخن گفته نشده است.

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می‌کند:



(نساء ۸۷)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

لَا رَيْبَ فِيهِ

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

خداوند کسی است که هیچ خدایی جز او

نیست او قطعاً شما را در روز قیامت جمع

می‌کند که شکی در آن نیست و چه کسی در

سخن از خدا راستگوتر است؟

(۱) خداوند تنها معبود آدمیان است.

(۲) وقوع قیامت و رستاخیز انسان امری قطعی و تردیدناپذیر است.

(۳) راستگویی خداوند خود دلیل محکمی بر تحقق وعده‌ی معاد است.

پیام آیه

کسی را هست جامی پر عسل پیش
که زیر این عسل زهر است در جام
بلاشک دست از آن دارد کشیده
که خواهد بود کاری صعب بر راه
به گفتِ انبیا از خواب برخیز

مثالی گویمت ظاهر، بیندیش
اگر طفلی بدو گوید بیارام
چو از طفل آن سخن دارد شنیده
تو را چندین پیمبر کرده آگاه
به گفتِ طفل جُستی راه پرهیز

پیام شعر

(۱) دفع خطر احتمالی، لازم است.

(۲) جدی گرفتن وعده‌ی پیامبران مبنی بر وقوع معاد بنابر عقل لازم است.

فعالیت کلاس

برخی از افرادی که پایبندی چندانی به رعایت احکام دین ندارند، می‌گویند: «ما به وجود این مجازات‌هایی که گفته می‌شود در قیامت و جهنم هست، اعتقادی نداریم.» شما به این‌گونه افراد چه پاسخی می‌دهید؟

پاسخ: می‌گوییم بنابر قانون احتمال دو حالت بیشتر وجود ندارد. یا قیامت و جهنم وجود ندارد و یا وجود دارد. مراقبت و رعایت احکام دین در حالت اول منجر به از دست دادن بعضی از لذت‌های دنیایی شده و در حالت دوم سعادت ابدی و جاودانه را در پی دارد ولی بی‌اعتنایی به احکام دین در حالت اول شاید لذت‌های گذرا و موقتی را در پی داشته باشد ولی در حالت دوم شقاوت و بدبختی و عذاب جاودانه را در پی خواهد داشت.

قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده بلکه بارها با دلایل و برهان‌هایی آن را ثابت کرده است. دلایل قرآن به دو دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند:

دسته‌ی اول دلایلی هستند که امکان معاد را ثابت می‌کنند و آن را از حالت امری بعید و غیرممکن خارج می‌کنند. دسته‌ی دوم دلایلی هستند که ضرورت معاد را به اثبات می‌رسانند.

الف) دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند:

یکی از دلایل انکار معاد این است که چنان واقعه‌ی بزرگی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و چون آن را امری بسیار بعید می‌یابند، به انکار آن می‌پردازند. حال آنکه بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست. قرآن کریم یکی از انگیزه‌های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می‌کند و دلایل و شواهدی مبنی بر قدرت و توانایی خداوند بیان می‌کند.

۱- اشاره به پیدایش نخستین انسان

خداوند در این آیات توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می‌کند و توانایی خود را تذکر می‌دهد.

و برای ما مثلی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آن‌ها را برای نخستین بار آفرید او به هر خلقتی داناست



(یس، ۷۸ و ۷۹)

۲- اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان

قرآن کریم برای بیان محسوس‌تری در این زمینه ماجراهایی را نقل می‌کند که در آن‌ها به اراده‌ی خداوند مردگانی زنده شده‌اند. عَزِیر (علیه‌السلام) یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل بود. وی در سفری از کنار روستای ویرانی عبور می‌کرد که استخوان‌های متلاشی و پوسیده‌ی ساکنان آن روستا پیدا بود و در این هنگام این سؤال در ذهن عَزِیر (علیه‌السلام) شکل گرفت که به راستی خداوند چگونه این‌ها را پس از مرگ زنده می‌کند؟

خداوند جان وی را در همان دم گرفت و بعد از گذشت صد سال دوباره او را زنده کرد پس خطاب به او گفت: ای عزیز، چه مدت در این بیابان توقف کرده‌ای؟ پاسخ داد: یک روز یا نصف روز.

خداوند فرمود: تو صد سال است که اینجا هستی. الاغت پوسیده و متلاشی شده ولی غذایت سالم مانده و فاسد نشده است. پس عزیز (علیه‌السلام) به چشم خود زنده شدن الاغ را دید گفت: می‌دانم که خدا بر هر کاری تواناست.

۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد تا به مطالعه‌ی جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله‌ی معاد را بهتر درک کنند. فرارسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است که نمونه‌ای از رستاخیز عظیم نیز هست.

«خدا است که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان وسیله پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین‌گونه است.»



(فاطر، ۹)

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام

ب) دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند.

۱) معاد لازمی حکمت الهی

خداوند حکیم است و لازمی حکمت خدا این است که هیچ‌کاری از کارهای او بیهوده و عَبَث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در وجود ما قرار داده بنا به حکمت خود باید پاسخ به آن‌ها را نیز برای ما فراهم کرده باشد. مانند آب و غذا در برابر احساس تشنگی و گرسنگی.

خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و نیز هر انسانی خواستار همه‌ی کمالات و زیبایی‌هاست و این خواستن هیچ حدی ندارد.

اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخ‌گوی این گونه خواسته‌ها نیست بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد و گرنه باید گفت خداوند کاری بدون حکمت و هدف انجام داده و به انسان با وجود نابودی و فنا میل به بقا داده است. علاوه بر این، اگر بناست با مرگ، نیست و نابود شویم چرا خداوند این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی در وجود ما قرار داده است؟

اگر این گونه باشد آفرینش انسان و جهان بی هدف و عبث نخواهد بود؟

آیا گمان می‌کنید که شما را عبث آفریدیم
و شما به سوی ما باز نمی‌گردید.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا
وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ



(مؤمنون، ۱۱۵)

پیام آیه

- ۱) خلقت انسان و تمام مخلوقات هدفمند و حکیمانه است.
- ۲) بازگشت و معاد انسان به سوی خداست.
- ۳) آیهی شریفه به اثبات ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی اشاره دارد.

۲- معاد لازمی عدل الهی

عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد از این رو خداوند وعده داده است که هرکس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند. زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق این وعده را نمی‌دهد زیرا: الف) در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند. افراد زیادی اعمال بسیار زیاد خوب یا بد دارند ولی قبل از آنکه به پاداش یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می‌بندند. ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارند. به عنوان نمونه چگونه می‌توان پاداش شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می‌توان کسی را که صدها نفر را قتل عام کرده کیفر داد؟ اگر جهان دیگری نباشد که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه‌ی خداوند ایراد می‌گردد.

آیا ما آن‌ها را که ایمان آورده

و کارهای شایسته انجام داده‌اند

یا مفسدان در زمین یکسان قرار خواهیم داد؟

آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

كَامُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ



(ص، ۲۸)

پیام آیه

- ۱) عدالت الهی اقتضاء می‌کند که صالحان با مفسدان برابر نباشد.
- ۲) آیهی شریفه به اثبات ضرورت معاد در پرتو عدل الهی اشاره دارد.



اندیشه و تحقیق درس چهارم

۱. تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.

کارهای نیک، خدمت به انسان‌ها، شهادت در راه خدا، کمک به فقرا و آگاهی بخشی به مردم
گناهان: ظلم و ستم به دیگران - ربا دادن و گرفتن - به قتل رساندن انسان‌های بی‌گناه

۲. دو نمونه از استدلال‌هایی که به بحث امکان معاد می‌پردازند، بیان کنید.

۱- اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان

۲- اشاره به نظام مرک و زندگی در طبیعت

۳. رابطه‌ی میان «آفرینش استعدادها و سرمایه‌های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت وجود معاد» را توضیح دهید.

خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در موجودات قرار داده است، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در درون موجودات قرار داده است. اگر به وجود آدمی توجه کنیم درمی‌یابیم که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که «گرایش به بقا و جاودانگی» و «خواستن همه کمالات و زیبایی‌ها» در انسان وجود دارد. اما دنیا و عمر محدود انسان پاسخگوی این خواسته‌ها نیست. اگر دنیای دیگری وجود نداشته باشد تا انسان به خواسته‌هایش برسد حکمت خداوند زیر سؤال می‌رود.

موسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام